

این جهان با همه بزرگی سایه من است!

گفت‌و شنود حجت‌الاسلام و المسلمین سیدجواد بهشتی در باب
«حجاب در مجلات رشد» با حضور سردبیران مجلات رشد عمومی

الهی که ثمرات آن در ماه رمضان خواهد بود آماده کنند. روزهای بسیار خجسته این ماه را تهنیت عرض می‌کنم و از خداوند می‌خواهم که این گفت‌وگو را به دور از آفت و آسیب به پایان برسانم.

حجاب از زوایای گوناگون

موضوع حجاب هم مانند بقیه موضوعات اضلاع و زوایای مختلفی دارد که تبیین همه آن‌ها در این وقت نمی‌گنجد. ولی خوب است کسی که می‌خواهد درباره حجاب چیزی بنویسد، به این اضلاع و زوایا توجه داشته باشد. یکی جنبه تاریخی است: «این موضوع در تاریخ بشر چه سیری را گذرانده است؟» موضوع بعدی «حجاب در اسلام» است: «اساساً آیا پیامبر در تشکیل دولت اسلامی این موضوع را مطرح کرده است؟» زاویه سوم موضوع «فقه» است: فرق

یکی از چالش‌های امروز جامعه ما موضوع «حجاب» است. مجلات رشد در سال‌های اخیر به شکل‌های متنوع به این موضوع پرداخته‌اند. به دلیل اهمیت حجاب و استفاده از نظرات و تجربیات حجت‌الاسلام و المسلمین سیدجواد بهشتی، نشست ویژه‌ای با حضور سردبیران مجلات عمومی در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۵ برگزار شد. آنچه در پی می‌آید، حاوی سخنان حجت‌الاسلام بهشتی و نقطه‌نظرات برخی از حاضران در جلسه است.

سیدجواد بهشتی: ایام خجسته ماه شعبان را تهنیت عرض می‌کنم. پیامبر در ماه شعبان در یکی از سخنرانی‌های خود فرموده که رزق ماه رمضان را در ماه شعبان توزیع می‌کنند. خوشا به حال آنان که زمینه را برای دریافت الطاف



سید جواد بهشتی

مختلف اسلامی چه نظری دارند؟ زاویه چهارم جنبه سیاسی این موضوع است: در دنیای سیاست این موضوع چه وضعی دارد؟ به خصوص در صد سال اخیر. زاویه دیگر «جنبه روحی و روانی» این قضیه است. زاویه دیگر «بعد خانواده» است. چقدر این موضوع با استحکام و دوام خانواده ارتباط دارد؟ زاویه آخر هم «دیدگاه‌های افراد مختلف درباره حجاب» است. یک سؤال بسیار مهم این است که آیا حجاب یک موضوع شخصی است یا اجتماعی؟ این‌ها تقریباً زوایای این موضوع هستند که اگر بدانیم خیلی بهتر است.

ما هر موضوعی را در اسلام بخواهیم مطرح کنیم، ناچاریم قبل از آن مبانی انسان‌شناسی را مرور کنیم؛ اقتصاد، مدیریت، هنر و علم. انسان‌شناسی قرآن حدود ۱۲ بند دارد که من خیلی سریع آن‌ها را بر می‌شمرم و گذر می‌کنم. اولین حرف این است که انسان موجودی برتر است. جهان با همه

بزرگی‌اش برای انسان و در خدمت انسان است. دومین حرف این است که این موجود از ماده و عنصری ماورایی آفریده شده است. سوم اینکه هدف بزرگی برای او لحاظ شده که در این جهان نیست. یکی از شاه‌بیت‌های مثنوی این بیت است:

در جهان دل جوهر و عالم عرض

سایه دل کی بود دل را غرض

یعنی این جهان با همه بزرگی سایه من است. چطور می‌شود هدف من در سایه باشد؟ حرف چهارم این است که دو دنیا پیش روی انسان است: یکی نزدیک است و دیگری دور. یکی دنیاست و دیگری آخرت. حرف دیگر این است که انسان مختار است. نقش پدر و مادر و مربی و معلم چیست؟ آگاهی بخشی است، ولی تصمیم با خود انسان است. مبنای دیگر این است که خدا نقش‌بند انسان است. مبنای دیگر این است که انسان یک بعد فردی دارد و یک بعد اجتماعی. در مسئله اجتماع متعهد و مسئولیت‌پذیر است. همین‌جا مسئله حقوق و آزادی مطرح می‌شود. وقتی مسئله حجاب را مطرح می‌کنیم، با توجه به این حرف‌ها مطرح می‌کنیم. این‌ها مسائل انسان‌شناسی قرآن است که قبل از ورود به هر بحث باید مطرح شود.

قالب‌های قرآن

به سراغ قرآن می‌رویم. قالب‌هایی که خداوند برای طرح مسئله در قرآن به کار برده هفت قالب است. یکی از آن هفت مورد «قصه» است. بقیه امرها، نهی‌ها، تشویق‌ها، توبیخ‌ها، مثل‌ها و گفت‌وگوهاست. به لحاظ فراوانی بیشتر قصه است. اولین قصه، قصه آفرینش انسان است. سوره اعراف از آیه ۱۰ می‌فرماید: «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ» ما خدا هستیم و امکاناتی را روی زمین برای شما قرار داده‌ایم. از همان ابتدا شکایت می‌کند و



بهشتی: به سراغ قرآن
می‌رویم. قالب‌هایی
که خداوند برای طرح
مسئله در قرآن به
کار برده هفت قالب
است. یکی از آن
هفت مورد «قصه»
است. بقیه امرها،
نهی‌ها، تشبیه‌ها،
تویخ‌ها، مثل‌ها و
گفت‌وگوهاست

لَمْ أَنهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلُّ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ» (۲۲). «غرور» در زبان عربی به معنای «فريب» است. شیطان این دو نفر را در چاه انداخت و آن‌ها را قانع کرد که نهی خدا را مرتکب شوند. در اینجا برای اولین بار مسئله حجاب مطرح شده است. انسان دو بعد روح و جسم دارد. این دو نفر دیدند لباس‌ها نیست. بر اساس فطرت خودشان را با برگ درختان پوشاندند و دست به دعا برداشتند. «قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (۲۳) قَالَ اهْبُطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ (۲۴) قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ» (۲۵).

ثقل حرف من از اینجاست: یا بنی آدم قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ يَذَّكَّرُونَ (۲۶) از این همه بحث خداوند بر روی لباس دست می‌گذارد. چرا باید اندام انسان پوشیده شود؟ مقداری از زندگی انسان مربوط به غرایز است. خدا می‌خواهد انسان به قله برسد. محل زندگی او زمین است. مسائل زندگی او در خاک است. هدف آن بالاست. از این امکانات و غرایز باید به اندازه استفاده کند و بیشتر انرژی خود را باید برای صعود بگذارد. چارچوبی که من قرار داده‌ام، خانواده است. بیرون از خانواده باید پوششی باشد. این پوشش برای این است که ذهن از هدف منحرف نشود. مستی شهوت انتها ندارد. زن و مرد باید خودشان را بیوشانند. در احادیث آمده که رأس مکارم اخلاق «حیا» است. لباس برای پوشاندن اندام و زینت است. همین‌جا حرف از لباس دیگری به میان می‌آید: لباس تقوا. «يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ آبَوَيْكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتَهُمَا

می‌گوید تعداد کمی از شما شکرگزار هستید. «وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ» (۱۱) قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ (۱۲) قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَّكِبَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ» (۱۳). شیطان از جن بوده و به خاطر فوق‌العادگی‌هایی که داشته، در مقام فرشتگان قرار گرفته است. در اینجا از جایگاه خود خارج می‌شود.

«قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (۱۴) قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ (۱۵۹) قَالَ فِيمَا أُغْوِيْتَنِي لِأَفْعَدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ» (۱۶) در حاشیه راه مستقیم می‌نشینم. «ثُمَّ لَا تَنبَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ» (۱۷) دشمنی شیطان با انسان که در قرآن ۱۴ بار آمده، همه‌جانبه است. «قَالَ أَخْرَجَ مِنْهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ» (۱۸). قصه از اینجا فاز جدیدی پیدا می‌کند: «وَيَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ» (۱۹) فَوَسَّوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ» (۲۰).

«وسوسه» در لغت عرب به «صدای طلای زیاد» گفته می‌شود که یکجا جمع شده است. شیطان دلایلی آورد که از این درخت میل کنید. سه دلیل آورد: فرشته می‌شوید، قدرت پیدا می‌کنید و نمی‌میرید. «وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ» (۲۱) فَذَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا

إِنَّهُ يَرَأَكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» (۲۷) دوباره به سراغ لباس آمده است. تمرکز روی لباس است. یکی از چهار تجارت پرسود بین‌المللی تولید فیلم‌های برهنگی است. اینجا ایستگاه مهمی است که بیشتر جنبه انسان‌شناسی دارد.

اصغر ندیری، سردبیر رشد آموزش ابتدایی: در این چند وقت در رسانه‌های اجتماعی بحث‌هایی شنیده‌ام مبنی بر اینکه معنای حجاب در ایران قبل از اسلام وضعیت خوبی نسبت به جامعه جاهلی داشته است. موضوع دیگر، حجاب زمان جاهلی است که اگر امکان دارد در این موارد توضیحاتی بفرمایید.

بهشتی: اولاً خواهش می‌کنم حتماً کتاب «مسئله حجاب» شهید مطهری را بخوانید. جواب این سؤال هم آنجا هست. قبل از اسلام ما در هند، در یونان و در ایران حجاب داریم. هر سه هم حجاب‌هایشان سخت‌گیرانه‌تر از اسلام است. ولی در جاهلیت حجاب نداریم. حتی آن‌ها طوافشان را هم به صورت برهنه انجام می‌داده‌اند. در قرآن هم مطرح شده است. حجاب یهود هم سخت‌گیرانه‌تر از اسلام است.

محمدرضا حشمتی، سردبیر رشد معلم: این حد و حدود را از کجا در بیاوریم؟ شما از منظر حیا وارد شدید. مسئله ما در قسمت حد و حدود است.

بهشتی: در مسائل انسان‌شناسی از یک موضوع بسیار سریع رد شدیم. خدا انسان را مثل همه موجودات به صورت زوج آفریده است. زوج هم یعنی مکمل هم. در انسان که از دو جنس نر و ماده است، گفته می‌شود خداوند جمالش را در یک جنس ریخته و جلالش را در جنس دیگر. گرچه هر دو جذاب هستند، ولی درصد بیشتر را به خانم‌ها داده است. در نتیجه کشتش از سمت مرد به زن بیشتر است. در نتیجه پوشش زن را بیشتر توصیه کرده است.

شهید مطهری هم در کتاب مسئله حجاب یک فصل را به حد و مرز اختصاص داده است. حد و مرز عموماً در دست فقه است. سیره یکی به لحاظ اجتماعی - سیاسی است، یکی به لحاظ اینکه خود سیره چه حدی را رعایت می‌کرده و آن، استاندارد است. اصلی دارد که طبق آن، زن‌ها باید موها و بدنشان را جز صورت و دست‌ها تا مچ بپوشانند. چطور پوشیده باشد؟ طوری که عرفاً به آن پوشیده بگویند. در رفتار پیغمبر سخت‌گیری نبوده است، ولی کسانی که درباره قواعد





این نوع حجاب.

نکته‌ای که بسیار مهم است و می‌تواند برای بحث مبنا باشد، عرفی بودن حجاب در جامعه است. به همین جهت است که برخی از علمای شیعه نسبت به حجاب مثل بقیه امور به نسبت گرای قائل هستند. یعنی اگر یک خانمی با مانتویی بسیار محجبه در کشور یا جامعه‌ای وارد شود که همه چادری هستند، ممکن است حجاب کامل نداشته باشد. ادله فراوانی در داخل ایران داریم که روستاییان مؤمن و پاک مسلمان و شیعه‌ای هستند که اصلاً حجاب اسلامی را یاد نگرفته‌اند. آیا می‌توان در جامعه‌ی عشایری این حجاب را وارد کرد؟ آثار مترتب بر اینکه چرا حجاب داریم مسئله ایجاد می‌کند. از طرف دیگر، اگر حجاب در طول تاریخ اسلام سیر تحول و تطوری داشته و در گذر زمان تغییر کرده، عرفی بودن جامعه امر مهمی است. بحث دیگر در مورد شبهه اجتماعی است. اگر فرض شما بر این است که حجاب به این دلیل است که حیا در جامعه باشد، اگر فرض کنیم افرادی انسانیت دیگران را در نظر می‌گیرند، نه جنسیت را، برای آن‌ها چه حکمی داریم؟ به نظر می‌رسد شبهه‌ای که در جامعه وجود دارد و باید به آن پاسخ گفت، امر موی سر است. اگر مسئولان رندانه از کنار این موضوع رد می‌شوند، پاسخ ندادن به یک شبهه اجتماعی است و فقها باید جواب گو باشند. به نظر من فقها در اینجا سال‌هاست که ساکت است. موی سر مثل موسیقی و شطرنج یکی از شبهه‌های اجتماعی است که اگر فقها به آن وارد شوند، حجاب جنبه سیاسی خود را از دست خواهد داد و یک قدم به سمت اقتناع مسلمانان بر خواهیم داشت.

محبت‌اله همتی، ناظر محتوایی مجلات رشد:
سؤالی که من داشتم درباره حجاب زنان غیر مسلمان است. فقه و عرف در مورد حجاب زنان غیر مسلمان چه می‌گوید؟
بهشتی: بحث بسیار دامنه‌داری است. شهید مطهری

حکومت اسلامی کتاب نوشته‌اند، گفته‌اند حکومت می‌تواند سخت‌گیری کند. پیغمبر روی همسرانش سخت‌گیری داشته است. در کل، احکام آنچه که خداوند به پیغمبر درباره خانواده‌اش گفته دو چیز است: نماز و حجاب. در احادیث و فرق اسلام نظر فقها در هر پنج فرقه خیلی به هم نزدیک است. زن مسلمان بدن و موهایش باید پوشیده باشد. البته فرقه‌هایی مثل باطنیه افکار دیگری را ترویج می‌کنند که مثلاً نیت مهم است و ظاهر اهمیتی ندارد. این موضوع مسئله دیگری است.

محمد ناصری، مدیرمسئول مجلات رشد: لازم می‌دانم از نگاه دیگران شبهات و سؤالاتی را که در باب حجاب مطرح است در این جا بیان کنم. آقای **ترکاشوند** کتابی دارد که من بخش‌هایی از آن را خوانده‌ام. موضوع کتاب این است که داستان حجاب آن‌طور که در حال حاضر رواج دارد، به کل چیزی است که فقها در آورده‌اند. اصلاً در اسلام به دلایل و مستندات زیاد این‌گونه نیست. در مورد حجاب موها، اینکه اگر کسی روسری نداشته باشد، مترادف با لباس یا حیا نداشتن است، این حرف منتفی است. حیا مترادف با حجاب نیست. لباس هم مترادف با حجاب نیست. فرمایش شما درباره آیه‌ای که فرمودید، درباره لباس است، نه راجع به



از **ویل دورانت** نقل می‌کند که اروپایی‌ها می‌گویند مسلمانان تحت تأثیر هندی‌ها یا ایرانی‌ها یا یهودی‌ها این سخت‌گیری را برای حجاب گذاشته‌اند. آقای مطهری این صحبت را رد می‌کند. مسئله فقه هم من چون طلبه هستم، این‌گونه صحبت می‌کنم. شاید شما به این اندازه مقید نباشید. اسلام یک بخش اعتقادی و اجرایی دارد. اجرا را فقها باید اعمال کنند. تاریخ فقه هم مشخص است. تا زمانی که فقها به نظری برسند، وظیفه عامه

مسلمانان تقلید است. در مورد موی سر، حدیث از پیغمبر داریم که نیمی از زیبایی زن موی سر است. در فقه شیعه و فرق چهارگانه دیگر با این حد و مرزی که گفتیم، تکلیف زن مسلمان مشخص است.

ناصری: صحبت این است که ما باید کمک کنیم که فقه به واقعیت جامعه نزدیک شود. فقیه باید کمک کند که جامعه اسلامی رشد کند. حجاب جزو چیزهایی است که اگر به سمت جامعه کشیده شود، افق‌های روشنی باز خواهد شد. **افسانه موسوی‌گرمارودی، سردبیر رشد نوآموز:** سؤال من این است که: چرا ما به دنبال این هستیم که فقهای ما شرایطی را ایجاد کنند که مردم ما اسلام را بپذیرند؟ باید این را بپذیریم که چطور می‌توان پیوندی بین مردم و معبودشان ایجاد کرد که عاشقانه او را بپرستند و به جایی برسند که وقتی معبودشان کاری را خواست، آن را انجام دهند. ما باید کاری کنیم که جامعه را در حدود اسلامی ثابت نگه داریم و این موضوع به ترفندهای حکومتی نیاز دارد و از حوزه ما هم بیرون است.

ناصری: ایجاد پیوند بین بچه‌های ما و دین یکی از مسئولیت‌های ماست و ما بخشی از حکومت هستیم. ما

ناصری: نکته‌ای که به نظر من بسیار مهم است و می‌تواند برای بحث مبنا باشد، عرفی بودن حجاب در جامعه است. به همین جهت است که برخی از علمای شیعه نسبت به حجاب مثل بقیه امور به نسبییت‌گرایی قائل هستند

نسبت به این مقوله اجتماعی مسئول هستیم. فقه راه‌های زیستن مؤمنانه مسلمانان است. **همتی:** ما در بحث حجاب همیشه سؤال و مسئله داشته‌ایم. فلسفه وجودی حکومت اسلامی حاکمیت فقه است. یعنی ما می‌خواهیم قوانین اسلامی را در جامعه حاکم کنیم و بر اساس آن قوانین جامعه اداره شود. ما در مورد بعضی از مسائل هنوز به مفهوم مشترک دست نیافته‌ایم و به همین دلیل شبهاتی ایجاد می‌شود. ما باید پاسخی برای این شبهات داشته باشیم.

محمدعلی قربانی، سردبیر رشد جوان: الان رابطه ما با جامعه قطع شده است. نباید رابطه حکومت و علما با جامعه قطع شود.

علی اصغر جعفریان، سردبیر رشد نوجوان: با توجه به پیش‌نیاز بودن حیا برای حجاب، از اینجا کار اشکال پیدا می‌کند که بچه‌های معصوم ما از ابتدا وقتی با رسانه‌ها و جامعه ارتباط برقرار می‌کنند، در معرض بی‌حیایی قرار می‌گیرند.

بهشتی: حدود ۱۲ شبیهه در این زمینه مطرح است که من قصد داشتم آن‌ها را در این جلسه مطرح کنم. اما ترجیح دادم برشی از قرآن را ارائه کنم. در این موارد هم پژوهش‌ها و کارهای خوبی انجام شده است. من چند کتاب معرفی می‌کنم: «فقه و پوشش»، اثر دکتر علی اکبر کلاتری، «حجاب از دیدگاه قرآن و سنت»، اثر دکتر فتحیه فتاحی زاده، «راز یک فریب، منطق کرامت زن»، رهنمودهای مقام معظم رهبری، «اولین دانشگاه و آخرین پیامبر»، اثر مرحوم پاک‌نژاد، «حجاب زن مسلمان»، از آقای اکبری، «معیارهای حجاب و عفاف در زنان و مردان». ما به موضوعی دامن‌دار فقط از یک ضلع نگاه کردیم.